

درس اول

- ۱- چند نمونه از جلوه های زیبایی آفرینش و نعمت های خدا را در شعر بیان کنید:
زیبایی طبیعت و فصل بهار، میوه های رنگارنگ و...
- ۲- مفهوم ایه ی ۴۴ سوره ی اسرا با کدام بیت درس تناسب دارد؟
با بیت: کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند نه همه مستمعی فهم کند این اسرار
- ۳- پیام بیت پایانی درس را توضیح دهید
پیام بیت پایانی این است که انسان باید راستگو و درست کار باشد چراکه کسانی که دروغ گو و درستکار نیستند هرگز به هدف خود نمی رسند (توصیه به راستگویی و درست رفتار کردن)

نوشتن صفحه ۱۵

- ۱- مترادف واژه های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.
شگفت، آگاهی، ستایش خداوند، شنونده، نادانی، انگور، رام، روز، مقصد، خوشبختی
شگفت: عجب آگاهی: تنبیه ستایش خداوند: تسبیح رام: مسخر شنونده: مستمع
نادانی: جهالت انگور: عنب روز: نهار خوشبختی: سعادت مقصد: منزل
- ۲- در بیت های زیر از کدام عناصر زیبایی سخن، استفاده شده است؟
خبرت هست که مرغان سحر می گویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟
تشخیص (جان بخشی به اشیا): حرف زدن مرغ سحر
تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار
ج: تشبیه، انسان، مخاطب: (در این مصراع غایب است) مشبه، چو: ادات تشبیه، بنفشه: مشبه
به: سر غفلت در پیش داشتن: وجه شبه آرایه تضاد: خواب و بیدار
- ۳- بیت دوم درس را در یک بند توضیح دهید.
آفرینش همه تشبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
آفریده های خدا بسیار متنوع و گوناگون هستند. این آفریده ها با نظم و فلسفه خاصی آفریده شده اند. انسان های عاقل با دیدن زیبایی های طبیعت و آفریده های خدا، به وجود خالق بی همتا پی می برند. یعنی آفریده های خدا باعث آگاه شدن انسان عاقل مش
وند. کسی که به وجود خداوند اعتراف نمی کند اصلا دل ندارد.

((شعر کلیات سعدی-بخش قصاید صفحه ۱۳))

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
صبحی که طول شب و روز آن یکسان است
اول بهار لذت بخش و دلپذیر است

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
تمام دنیا آفرینش خداوند است و کسی که به وجود خداوند باور ندارد
دلی ندارد

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند
نه همه مستمعی فهم کند این اسرار
همه هستی در حال ستایش خداوند هستند
اما هر شنونده ای این را درک نمی کند

خبرت هست که مرغان سحر می گویند:
آخرای خفته سراز خواب جهالت بردار
خروس ها هنگام آواز می گویند از خواب
جهل و نادانی بیدار شو

تاکی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟
حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار
تاکی می خواهی مثل گل بنفشه سر به پایین باشی
و هیچ خبر نداشته باشی حیف است

که تواند که وهد میوه الوان از چوب؟
یا که داند که بر آروگل صبرگ از خار؟
جز خدا چه کسی می تواند از چوب خشک میوه های رنگارنگ
به وجود آورد یا از خار گل صبرگ ایجاد کند

عقل حیران شود از خوشه زرین عنب
فهم عاجز چو داز حقه یا قوت انار
عقل از خوشه طلایی رنگ انگور شفت زده می شود
و فهم از درک میوه های انار که مثل جواهر هستند ناتوان می گردد

پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز
ماه و خورشید مسخر کند لیل و نهار
خداوندی که به فرمان عزیز و گرانقدرش
ماه خورشید شب و روز را مطیع خود کرده است

تأقیامت سخن اندر گرم و رحمت او
همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار
اگر باز همه موجودات تأقیامت شکر بگویند
باز هم کم است

نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است
شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار
آن قدر رحمت های خداوند بسیار است
که انسان هرگز نمی تواند شکر گذار باشد

سعدیا راست روان گوی ساعات بردند
راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار
ای سعدی درست کاران سعاتمندان
پیروز شدند تو هم درست رفتار کن
زیرا انسان بدکاران را به منزل نمیرسد

((شعر جان و خرد صفحه ۱۰))

معنای مصرع اول : به نام خداوندی آغاز می کنم که دو نعمت بزرگ عقل و جان را به انسان عطا کرده است زیرا فکر و اندیشه انسان نمی تواند فراتر از این برود

معنای مصرع دوم : به ذهن و اندیشه انسان ، سخنی بالاتر از این خطور نمی کند که سخنش را با نام پروردگاری آغاز کند که به انسان جان و خرد بخشیده است.

معنای مصرع سوم : خداوند متعال صاحب اسما و صفات و القاب متعدّد و آفریننده ی جاو مکان (عالم هستی) است.

معنای مصرع چهار : اوست که روزی دهنده موجودات عالم و هدایت کننده آنهاست.

معنای مصرع پنجم : خداوند متعال افلاک هفتگانه (قمر ، عطارد ، ناهید ، خورشید ، مریخ ، مشتری ، زحل) و آسمان در حال حرکت را آفریده است

معنای مصرع ششم : و اوست که به خورشید و ماه و ستارگان نور و روشنی بخشیده است.

معنای مصرع هفتم : با چشمان و وجود جسمانی و مادی نمی توان خدا را درک کرد

معنای مصرع هشتم : پس برای این کار بیهوده به چشمانت زحمت مده.

معنای مصرع نهم : انسان حتی با افکار تیز و اندیشه های باریک بین نمی تواند به وجود خداوند متعال دست یابد

معنای مصرع دهم : زیرا که ذاق اقدس پروردگار فراتر از محدوده اسما و نام ها و مکان ها است. (خداوند لامکان است.)

معنای مصرع یازدهم : هیچ کسی نمی تواند خداوند متعال را آنگونه که شایسته درگاه اوست،

معنای مصرع دوازدهم : ستایش کند پس تو باید کمر بندگی و اطاعت از او به میان ببندی و در بندگی و عبادت او تلاش کنی.

معنای مصرع سیزدهم : هر کس دانش کسب کند در زندگی موفق خواهد بود

معنای مصرع چهاردهم : با کسب علم فرد پیر مانند جوانی توانا زنده خواهد بود
سجاد اسکندری

درس دوم

۱- منظور از واژه ی آیات در جمله ی « پس اندر این آیات تفکر کن » چیست؟

نشانه ها و پدیده های عالم هستی

۲- عبارت « هر یکی را آن چه به کار باید، داد.» را توضیح دهید؟

به هر کدام از موجودات آن چه لازم بوده داده است.

۳- بند پایانی درس (و مثل تو چون مورچه ای) چه ارتباطی با درک شگفتی های هستی دارد؟

این که انسان مثل مورچه ای است که اگر در آیات الهی و موجودات اطراف خود تفکر نکند قادر به شناخت عظمت آفرینش و شگفتی های عالم هستی نخواهد بود.

نوشتن صفحه ۲۱

جواب ۱ به ترتیبی که در کتاب نوشته شده است:

محیر - قوس قزح - آفرینش - میغ - بساط - معرفت

جواب ۲ :

الف (سنگ: هسته سخت : وابسته پیشین آب : هسته

لطیف : وابسته پیشین

ب (این: وابسته پیشین ← صفت اشاره همه: وابسته پیشین

← صفت مبهم آیات: هسته

ج (چه: وابسته پیشین ← صفت تعجبی خلقت: هسته

شگفت انگیزی: وابسته پسین

د (کدام: وابسته پیشین ← صفت پرسشی مستمع: هسته

آگاه : هسته

((شعر پرواز صفحه ۲۲))

۱. مرغ با فروتنی از کرم پرسید: تا کی در پيله ی خویش می مانی و تا می بافی؟

۲. تا کی می خواهی گوشه گیر، در کنج خلوت خود باشی؟ و تا کی در زندان در بسته ی تن (پيله ی کرم ابریشم) می مانی؟

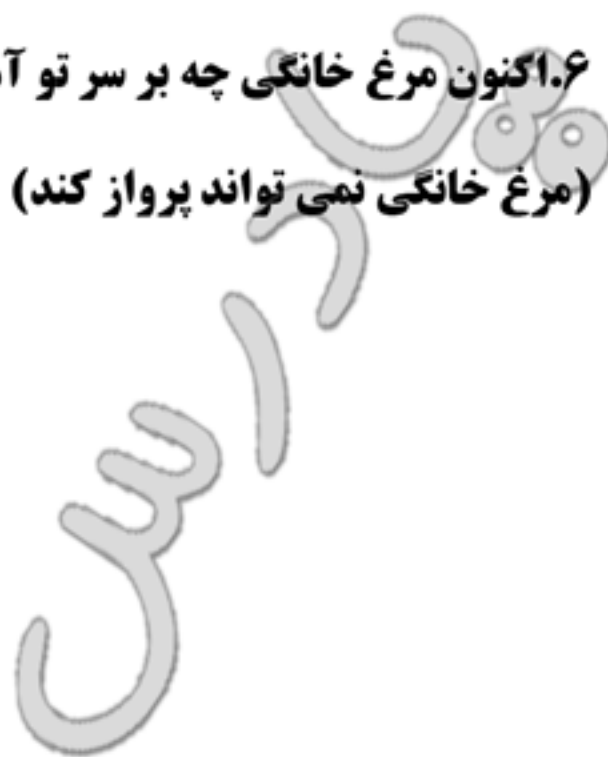
۳. کرم پاسخ داد: من در فکر رهایم و به همین سبب به این حالت خمیده (در پيله) خلوت کرده ام و نشسته ام.

۴. هم سن و سال های من پروانه شدند و از این قفس پرواز کردند و دیدنی و زیبا شدند.

۵. من در زندان و خلوت نشسته ام تا بمیرم یا (پروانه شوم) و پر و بالی برای پریدن در آورم.

۶. اکنون مرغ خانگی چه بر سر تو آمده که هیچ تلاشی نمی کنی و پرواز نمی کنی؟

(مرغ خانگی نمی تواند پرواز کند)



درس سوم

خودارزیابی

- 1- نویسنده به چه نوع ارتباط هایی در دوران نوجوانی اشاره کرده است ؟
ارتباط با خود ، یعنی توجه به لباس ، قد و قامت ، لاغری یا چاقی ، عواطف و احساسات درونی ؛
ارتباط با دیگران که وابسته به نیاز درونی اوست تا نقد و نظر دیگران را درباره ی رفتار و کردار
خود بداند.
- 2- ویژگی های مشترک آینه و دوست را بیان کنید.
هر دو در کمال راستی و صداقت ، عیب و حسن آدم را نشان می دهند و بازگو می کنند.
- 3- به نظر شما چه ارتباطی میان متن و شعر درس وجود دارد ؟
هر دو آدمی را به غنیمت دانستن دوران جوانی و نوجوانی و تلاش در کسب خوبی ها و فضایل
دعوت می کنند.

نوشتن صفحه ۲۸

غنی - حجت - یوم - مغنم - مبصر - احتیاج



غنیمت - حاجت - ایام - غنیمت - بصیرت - حاجت

جواب ۲ :

پیچیدن از راه راست کنایه از منحرف شدن از راه خوبی و درست /
کج رفتاری کردن

جواب ۳ :

الف < پرسش انکاری (استفهام تأکیدی)

ب < پرسش انکاری (استفهام تأکیدی)

الف < پرسش تأکیدی

دلیل < زیرا هر سه مورد پرسش مطرح شده جواب مشخص است
و فقط برای تأکید آمده است.

((شعر کار و شایستگی صفحه ۲۶))

بیت ۱

دوره جوانی دوره کار و شایسته بودن است دوره ی غرور و خیال بافی نیست.

بیت ۲

دوره ی جوانی مثل کالایی است که وقتی ان را از دست دادی در بازار همچین کالای گرانبهایی وجود ندارد.

بیت ۳

دوره ی جوانی را با ارزش بدان و به جز راه حقیقت و درست را جست و جو مکن زیرا فرصت یک بار است و بار دیگر وجود ندارد

بیت ۴

از راه راست بر راه کج منحرف نشو وقتی (برای رسیدن به مقصود) در وجود دارد دیگر نیاز به (کج روی و انحراف) دیوار نیست

بیت ۵

بردباری و تلاش را از انسانهای ازاده و جوانمرد یاد بگیر زیرا اموختن عیب و ننگ نیست

بیت ۶

تا زمانیکه در دل تو تیرگی و الودگی گناه و غفلت وجود ندارد (از فرصت استفاده کن) و از روی آگاهی و بینش (وبا چشم دل) به خود توجه کن (برای خودشناسی و پاکسازی درون از بدی ها

تلاش کن)

بیت ۷

دانه و خوشه به مرور زمان تبدیل به خروار (تعداد بسیار زیاد) میشود هر خوشه که از ابتدا زیاد نیست. (مفهوم این بیت به بردباری و شکیبایی و تلاش پی در پی سفارش میکند. یادآور ضرب

المثل: قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود

بیت ۸

همه ی کار روزگار درس و پند دادن است افسوس که شاگرد هوشیار و آگاهی (برای پند گیری) وجود ندارد



درس چہارم

خودارزیابی صفحه ۲۷

1- در متن درس چه کسانی به عنوان مشاوران خوب ، معرفی شده اند ؟

پدر و مادر ، معلمان دلسوز ، مربیان با تجربه

2- در سخن امام جواد (ع) تشبیهی به کار رفته است . این تشبیه را توضیح دهید.

امام جواد (ع) فرموده اند : « از همنشینی با بدان ، پرهیز کن که هم چون شمشیر برهنه ، ظاهرش زیبا و اثرش زشت است » ایشان دوستان بد را از دو جهت مثل شمشیر دانسته اند یکی از جهت ظاهر که زیبا ، خوش قد و قامت و درخشنده است دیگر از جهت تأثیری که به جای می گذارد که چون نتیجه ی استفاده از شمشیر ، قتل و خون ریزی است . اثرش مثل هم نشینی با انسان های بد ، زشت ، ناپسند و زیان بار است.

3- به نظر شما چرا سعدی ، بسر نوح (ع) را با سگ اصحاب کهف ، مقایسه کرده است ؟

چون خواسته بگوید حتی فرربدان پیامبران نیز اگر با بدان همدلی و هم نشینی کنند ، مقام و منزلت خویش را از دست می دهند و از آن طرف اگر حیوان بی ارزشی چون سگ با خوبان و نیکان ، همدلی و همراهی کند ارزش و اعتبار می یابد.

درس ششم

خودارزیابی صفحه ۵۲

1- انسان به هنگام سخن گفتن دیگران ، به نکاتی باید توجه کند ؟

حرف کسی را قطع نکند ، در گفت و گوی دیگران دخالت و دقت نکند و به حرف دیگران دزدیده گوش نکند.

2- بیت زیر با کدام بخش درس ارتباط معنایی دارد ؟

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند

این بیت سعدی با این بخش از درس (متن اول از قابوس نامه) ارتباط دارد « به غم مردمان ، شادی مکن تا مردمان نیز به غم تو شادی نکنند ، داد ده تا دادیابی ، خوب گوی تا خوب شنوی »

3- یک زندگی موفق دارای چه ویژگی هایی است ؟

برنامه ریزی شده ، تعاون و همکاری - آرامش خاطر - موفقیت در کارها

نوشتن صفحه ۵۴

جواب ۱:

اتهام:تهمت اقناع:قانع طعنه:طعن مقدم:مقدم

استماع:سمع مقطوع:قطع مطلب:طالب مقتدر:قادر

مجتهد:جهد اصیل:اصل

جواب ۲:

فعل	دارم	مینویسم	بخوانید	ببندید	ببیرایید	بشوید	بپرهیزید	میشود	میشود	میاورد
نوع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع
فعل	اخباری	اخباری	التزامی	التزامی	التزامی	التزامی	التزامی	اخباری	اخباری	اخباری

جواب ۳:

داشتن اصل و نسب پدر و مادر باسواد خاندان اصیل و... خوب است اما اگر انسان از گوهر وجودی خود و از گوهر تنش استفاده کند و با تلاش گوهر اکتسابی خود به جایی برسد و گوهر تن داشته باشد بهتر است زیرا همیشگی است.

درس هفتم

خودارزیابی صفحه ۵۹

- 1- چه چیزی پذیرش سختی‌ها را برای حافظ آسان کرده است. این که اوضاع عوض می‌شود و احوال روزگار دائماً یکسان نیست.
- 2- انسان عاقل در برابر حوادث و مشکلات زندگی ، چگونه باید رفتار کند ؟ با خون سردی ، تدبیر و هوشیاری ، در صدد حل مشکلات برآید.
- 3- بیت زیر با کدام کی از بیت های درس ارتباط بیشتری دارد
غواص اگر اندیشه کند کام نهنگ هرگز نکند در گرانمایه به چنگ (سعدی)
ای دل، اگر فنا و نابود هستی برکند چون تو را نوح است کشتیان، ز
توفان غم مخور

((شعر پرتوی امید صفحه ۵۸))

۱. روزی می رسد که یوسف گم شده به زادگاه خود باز گردد. پس بهتر است غم نخوری. در آن روز غم ها و اندوه های تو همه به شادابی تبدیل می گردند. پس بهتر است غمگین نباشی.

۲. ای دل رنج کشیده، بیهوده ناراحتی به خود راه مده. مطمئن باش حالت بهتر می شود. پس وضع خود را بدتر از این مکن. این پریشان حالی و آشفتگی تو بهبود می یابد و همه چیز به آرام و قرار و نظم خود دست پیدا می کند.

۳. اگر چرخش زمانه مدتی طبق خواسته ی ما به گردش در نیامد، ولی مطمئن باش که حال زمانه به یک شکل باقی نمی ماند پس ناراحت نباش و اندوه نخور.

۴. ای انسان! نا امید مشو. زیرا تو از رازهای پنهانی خبر نداری، بدان که در عالم غیب و ملکوت سرنوشت ها و مقدرات پنهانی وجود دارد. پس ناراحت مباش و اندوه مخور.

۵. ای دل! اگر نیستی و نابودی همه جهان را از بین ببرد تو نباید غمگین باشی و ادوه بخوری زیرا حضرت نوح ع کشتیان توست و تو به او تکیه کرده ای پس تو را سالم به سر منزل مقصود می رساند.

۶. اگر هدف تو از اینکه در بیابان به حرکت در آمده ای رسیدن به کعبه و خانه ی خداست پس از رنج و دردی که در راه به آن ها گرفتار می شوی (مانند خار مغیلان) ناراحت مشو. و اندوه مخور

۷. اگر چه راه بسیار نا امن و خطرناک است و مقصد بسیار دور است ولی هیچ راهی نیست که بی پایان و بی سرانجام باشد پس ناراحت نباش و اندوه نخور.

۸. ای حافظ! تا زمانی که با تهی دستی و تنهایی و در شب های تاریک مشغول ذکر خداوند و دعا و قرائت قرآن هستی، به دلت غم راه مده اندوه نخور.

درس هشتم

همی خواهم از کردگار جهان
معنی: از خدای بزرگ که آفریننده جهان است و پنهان و آشکار جهان را می شناسد، می خواهم.
شناسنده آشکار و پنهان

که باشد ز هر بد، نگهدارتان
معنی: خدا شما را از هر گزند و آسیب در امان نگه دارد و همیشه نیک نامی یار و یاورتان باشد.
همه نیک نامی بود یارتان

صفحه ۶۵

ندانی که ایران، نشست من است
معنی: نمیدانی که سرزمین ایران محل زندگی و حکومت من است، سراسر جهان گسترده زیر دست من و تحت فرمانروایی من است.
جهان سر به سر، زیر دست من است

همه یکدلانند، یزدان شناس
معنی: مردم ایران در هر قوم و قبیله ای که هستند، خدای یگانه را پرستش می کنند و با نیک نامی از بدی و پلیدی هراسی ندارند و یکدلند.
به نیکی ندارند از بد، هراس

دریغ است ایران که ویران شود
معنی: حیف است که ایران از بین برود و محل زندگی پلنگ ها و شیرها شود. (محل زندگی و اشغال دشمنان گردد)
کنام پلنگان و شیران شود

چو ایران نباشد، تن من مباد
معنی: اگر قرار است ایران نباشد، من نیز نباید زنده باشم. نه تنها من، بلکه در این سرزمین کسی زنده نباشد بهتر است. (با نبود سرزمین ایران، دیگر ایرانی وجود نخواهد داشت.)
در این بوم و بر، زنده یک تن باد

همه سر به سر، تن به کشتن دهیم
معنی: اگر ما یک به یک کشته شویم و در راه وطن جان افشانی کنیم و شهید شویم، بهتر از آن است که کشور عزیزمان به دست دشمن بیفتد.
از آن به که کشور، به دشمن دهیم

هیت ۱ :

کودگی از جمله آزادگان رفت برون با دو سه همزادگان
معنی : کودکی از خانواده ی انسان های نجیب و اصیل با دو سه نفر از هم سن و سالهای خودش ، برای بازی کردن ، بیرون رفت .

بیت ۲ :

پای چون در راه نهاد آن پسر پویه همی کرد و در آمد به سر
معنی : وقتی که آن پسر بچه شروع به حرکت و دویدن کرد ، با سر به زمین خورد .

بیت ۳ :

پایش از آن پویه در آمد ز دست مهر دل و مهره ی پشتی شکست
معنی : به هنگام دویدن ، کنترل خود را از دست داد و مهره ی کمرش شکست و علاقه اش به بازی از بین رفت .

بیت ۴ :

شد نفس آن دو سه هم سال او تنگ تر از حادثه ی حال او
معنی : به خاطر این حادثه (زمین خوردن آن کودک) آن دوستان هم سن و سالش ، احساس ناراحتی و اندوه می کردند .

بیت ۵ :

آن که ورا دوست ترین بود گفت در بن چاهیش بیاید نهفت
معنی : نزدیک ترین دوستش گفت : باید او را در داخل چاهی عمیق ، بیندازیم .

بیت ۶ :

تا نشود راز چچو روز آشکار تا نشویم از پدرش شرمسار
معنی : تا این حادثه برای کسی آشکار نشود و ما پیش پدرش شرمنده نشویم .

بیت ۷ :

عاقبت اندیش ترین کودکی دشمن او بود از ایشان یکی
معنی : یکی از بچه هایی که دشمن او بود ، کودکی آینده نگر و زیرک بود .

بیت ۸ :

گفت : « همانا که درین هم رهان صورت این حال نماند نهان »
معنی : آن کودک آینده نگر گفت قطعا این موضوع در میان این دوستان همراه ، پنهان نمی ماند .

بیت ۹ :

چون که مرا زین همه دشمن نهند تهمت این واقعه بر من نهند
معنی : چون که از میان همه ی بچه ها ، مرا دشمن او می دانند ، پس به من بد گمان می شوند .

بیت ۱۰ :

زی پدرش رفت و خبردار کرد تا پدرش چاره ی آن کار کرد
به سوی پدرش رفت و او را از ماجرا آگاه کرد تا این که پدرش برای آن کار ، چاره ای بیندیشد .

بیت ۱۱ :

هر که در او جوهر دانایی است بر همه چیزش توانایی است
معنی : هر کسی که در او جوهر دانایی وجود دارد ، توانایی انجام هر کاری را دارد .

بیت ۱۲ :

معنی : دشمن دانایی که سبب غم و اندوه انسان باشد ، از دوست نادان بهتر است .

درس نهم

۱- چرا هم کلاسی خواجه نصیر به او لقب «کوه آهن» داد؟ زیرا معتقد بود او خستگی نمی‌شناسد و با اینکه دوازده سال بیشتر ندارد، نیمی از روز را در محضر یک استاد و نیمی دیگر را در محضر استاد دیگری می‌گذراند، ولی آثار خستگی در چهره‌اش نمایان نمی‌شود.

۲- ویژگی‌های اخلاقی ابوریحان و خواجه نصیر را مقایسه کنید. هر دو بزرگوار پشتکار و همت زیادی در فراگیری علم و دانش داشتند؛ هر دو پیگیر مسأله‌های علمی بودند؛ هر دو خواستار دانستن علم بودند تا خواندن آن. یاد گرفتن مشتاقانه مسائل علمی، یادگیری در همه حال و در همه وضعیت‌ها و در همه شرایط.

۳- به نظر شما راز موفقیت، در زندگی امروز چیست؟ داشتن همت و پشتکار، برنامه‌ریزی، تلاش و کوشش، تفکر و به کار بردن تجربیات دیگران.

۴- شما چه کسان دیگری را می‌شناسید که مانند ابوریحان و خواجه نصیر به علم و علم‌آموزی اهمیت می‌دادند؟ سرزمین عزیز ما پر از انسان‌های عالم و دانشمند است. دانشمندانی مانند محمد بن زکریای رازی، ابوعلی سینا و ...

۱- نوع رابطه معنایی (مترادف، متضاد) کلمه‌های زیر را مشخص کنید.

مترادف	فراست، زیرکی	متضاد	جاهل، دانا
متضاد	بلندآوازه، گمنام	متضاد	فروزان، بی‌فروغ
مترادف	بحث، گفت‌وگو	مترادف	نقره‌فام، سیمگون

۲- مانند نمونه جدول زیر را کامل کنید.

بن	شخص	شمار	نوع	زمان	فعل
شنید	اول شخص	مفرد	ساده	گذشته	شنیدم
خندید	اول شخص	جمع	استمراری	گذشته (ماضی)	می‌خندیدیم
گفت	سوم شخص	جمع	نقلی	گذشته (ماضی)	گفته‌اند
پرس	دوم شخص	جمع	التزامی	حال (مضارع)	پرسید
نویس	سوم شخص	مفرد	مستمر	حال (مضارع)	دارد می‌نویسد

۳- جمله زیر با کدام قسمت درس، ارتباط معنایی بیشتری دارد؟ دلیل آن را بنویسید.

«انسان بلند همت تا پایه‌ای بلند به دست نیاورد، از پای طلب ننشیند». (کلیده و دمنه)

روزها می‌گذشت و هر روز درخت وجود نصرالدین پربارتر می‌شد؛ اما هر چه بیشتر می‌آموخت، عشق و علاقه‌اش به دانش‌اندوزی نیز بیشتر می‌شد. به تشنه‌ای می‌مانست که ساعت‌ها در بیابانی خشک و زیر نور خورشید فروزان مانده است و سپس به آب می‌رسد؛ ولی هر چه از آن می‌نوشد گویی تشنه‌تر می‌شود.

۴- آرایه‌های ادبی هر عبارت را مشخص کنید.

الف) هر روز درخت وجود نصرالدین، پربارتر می‌شد.

تشبیه: درخت وجود

ب) همه یک صدا نام او را بر زبان می‌راندند.

کنایه: بر زبان راندن کنایه از مشهور شدن

واژه‌ها و ترکیب‌های مهم املایی:

واپسین لحظات، تن رنجور، باقی رمق، شمع وجود، دوستی فقیه، بالین وی، اندوهی بسیار دست نوازش، سر و رویش، کلمات مقطع، تمنا کرد، مسائل علمی، اعتراض و تعرض، درگذرم، مسئله بازگفت، شیون برخاست، بلندآوازه، ابوریحان بیرونی، قرن پنجم هجری، شیوه علم‌جویی، اطلب العلم من المهد الی اللحد، گهواره و مهد، نصرالدین، لوح و کتاب، زیر بغل، مطالعه و تحقیق، بحث و مناظره، حل مسئله، مغز کوچک، تفکر و اندیشه، محضر استاد، چهاردسواری، طنین پرسش، خورشید فروزان، هوش و فراست، استاد حاسب، استاد حمزه، رخسار و چهره، کنار باغچه، شهر توس، ستارگان نقره‌فام، ظرفی سیمگون، غرق اندیشه، فضای بیکران، راز موفقیت، خسته و آزرده، مشتاقانه، آموختن ...

درس دهم

- ۱- کدام قسمت از درس، اشاره به شهید «حسین فهمیده» دارد؟ خون میان سنگر آزادگان جوشید/ مثل یک موج خروشان نهاد/ کودکی از دامن این موج بیرون جست/ از کمند آرزوها رست/ چشم او در چشم دشمن بود/ دست او در دست نارنجک آبی/ ای دشمن امن حسین کوچک ایران زمینم/ یک تنه با تانک‌هاتان در کمینم/ مثل کوهی آهنینم
- ۲- درباره این مصراع شعر «آن طرف نصف جهان، با تانک‌های آتشین در راه» توضیح دهید. در جنگ هشت ساله ایران و عراق، بیشتر کشورهای جهان از رژیم عراق حمایت می‌کردند. این کشورها سلاح‌های جنگی، نیروهای نظامی و... را به کشور عراق می‌دادند.
- ۳- چه شباهت‌هایی بین این درس و درس هفتم (هم‌زیستی با مام میهن) وجود دارد؟ هر دو درس ما را به حمایت و دفاع از وطن تشویق می‌کنند و اینکه فرزندان هر ملت از خاک عزیز خود دفاع می‌کنند و خود را فدای مام میهن می‌نمایند.

درس یازدهم

۱- چرا پدر رابعه، شب تولد او دلتنگ خواهید؟ چون نتوانسته بود برای خانواده‌اش روغن چراغ تهیه کند.

۲- چه عنوان‌های دیگری می‌توان برای این درس انتخاب کرد؟ زن با خدا، زن کامل، انسان متوکل و ...

۳- مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی رابعه چه بود؟ ارضی بودن به رضای خدا، توکل به خدا، شکرگزار نعمت‌های خدا

بودن، فروتنی در مقابل خدا.

۴- چگونه می‌توان انسان کاملی بود؟ با توکل و ایمان به خدا؛ یعنی اینکه خدا را در همه حال و همه کار با خود همراه

کردن و هر کاری را برای رضایت او انجام دادن.

درس

درس دوازدهم

۱- منظور از جمله «خداوند به دل‌ها و کردارتان می‌نگرد» چیست؟ خدا از همه کارها خبر دارد و برای خدای بزرگ بیت و عمل بندگان بسیار مهم است نه ظاهر کار. چه‌بسا کارهایی که ظاهر خوبی دارند اما در نیت برای خدا نیستند. فقط ظاهرشان برای خداست.

۲- این درس را با درس پنجم (آداب زندگانی) مقایسه کنید و شباهت‌های آن را توضیح دهید. درس پنجم هم مانند همین درس است. مسلم است که پیروان حضرت رسول افکار مبارک ایشان را به کودکان خود توصیه کنند.

۳- بیت زیر با کدام بخش درس، ارتباط دارد؟

کمال است در نفس انسان، سخن

تو خود را به گفتار، ناقص مکن

(بوستان سعدی)

ای ابوذر، به اندازه نیاز، سخن بگوی.

۴- از کدام قسمت درس بیشتر خوشتان آمد و لذت بردید؟ ای ابوذر، اگر درباره چیزی که به آن علم نداری، از تو پرسیده شود، بگو نمی‌دانم تا از پیامدهای ناگوار آن در امان بمانی.

(شما هم نظر خودتان را بنویسید.)

۱- مترادف واژه‌های زیر را در متن درس بیابید و بنویسید.

خوشبختی	←	سعادت
طنین	→	رر
بهره بردن	←	غنیمت شمردن
متعال	→	بلندمرتب
آرزومند	←	مشتاق
علم	→	دانش

۲- مانند نمونه، جدول زیر را کامل کنید.

مصدر	ماضی ساده	ماضی استمراری	ماضی مستمر	ماضی بعید	ماضی التزامی	ماضی نقلی
	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
خواندن	خواندم	می‌خواندی	داشت می‌خواند	خوانده بودیم	خوانده باشید	خوانده‌اند
گفتن	گفتم	می‌گفتی	داشت می‌گفت	گفته بودیم	گفته باشید	گفته‌اند
شنیدن	شنیدم	می‌شنیدی	داشت می‌شنید	شنیده بودیم	شنیده باشید	شنیده‌اند
دیدن	دیدم	می‌دیدید	داشت می‌دید	دیده بودیم	دیده باشید	دیده‌اند
گرفتن	گرفتم	می‌گرفتی	داشت می‌گرفت	گرفته بودیم	گرفته باشید	گرفته‌اند
آوردن	آوردم	می‌آوردی	داشت می‌آورد	آورده بودیم	آورده باشید	آورده‌اند

۳- با توجه به متن، گاهی اوقات تنهایی پسندیده است، در این باره دو بند بنویسید. تنهایی در جایی پسندیده است که آدمی در آن اوقات فکر و اندیشه کند و درباره زندگی، خود و اطرافیان فکر کند. در تنهایی بودن و به خود آمدن در خود نگریستن بسیار ارزشمند است. اگر هنگام با هم بودن گناه می‌کنیم، غیبت و دروغ بر زبان جاری می‌کنیم پس تنهایی نعمتی ارزشمند است که باید قدرش را بدانیم.

حکایت

واژه‌نامه	حکایت
پست، بی‌ارزش، خوار	از بهر تو:
خدمت‌گزار	امیر:
دور کردن، راندن	اندیشه:
ج رعیت، مردم	تکبر:
راه، قصد، صورت	توبره:
حقیر:	به خاطر تو
خادم:	فرمانده، فرمان‌روا
دفع کردن:	ترس، بیم
رعایا:	غرور و خودبینی
وجه:	کیسه بزرگ

درس سیزدهم

معنی شعر ۱۰۵

آشنای غریبان

از شادابی تو که چشمه ها پر جنب جوش است از مظلومیت تو است که موج ها آرام است
انسان های تشنه علم را توسیر راب میکنی کشیدن رنج های ریگ های بیابان به دلیل
صبر تو است

با شنیدن نام تو گیاهان رشد میکنند و شاداب می شوند به این دلیل است
که برگ باران تو را میشناسند
تو هم گل های باغ شهادت را میشناسی و هم تمام گل ها (شهیدان) تو را
میشناسن

دیگر غریب بودند تمام به پایان رسید تو آشنای بی اشنایان هستی
کاش من هم در زمان تو زندگی میکردم خیابان های مشهد مقدس از تو شناخت دارن

: معنی شعر کتابه فارسی صفحه ۱۰۶

معنی: با رسیدن زمان تولد حضرت مهدی {عج} گویی بهار جان بخش از راه رسید
و جان ها زنده شدند. پس از جای خود بلند شو زیرا عید عارفان و عاشقان از راه رسید
۲: با جامعه ویژه عارفان و درویشان آرام و ساکت در گوشه ای منشین به پا خیز زیرا
جهان از نو زنده شده است

۳: گلستان از شادی طرب پراز گل های لاله شده است زیرا پادشاه زمین و آسمان از راه
رسیده است

۴: آماده باش که مطابق فرمان او باشی و به هوش که نجات بخش تمام هستی از راه
رسید

- ۱- چرا شاعر می‌گوید: «فصل غریبی سرآمد؟» زیرا امام رضا (ع) در شهر خراسان بیگانه و تنها نیست و هر سال میلیون‌ها زائر دارد که آنها نیز به نوبه خود در آن شهر غریب هستند.
- ۲- در شعر دوم، برای میلاد امام زمان (عج) چه توصیف‌هایی به کار رفته است؟
 - ۱- تولد او به بهار تشبیه شده است.
 - ۲- روز عید عاشقان و عارفان است.
 - ۳- انگار بر جهان جانی دوباره دمیده شده است.
 - ۴- تمام گلستان پر از گل لاله شده است.
 - ۵- نجات‌بخش مردم جهان به دنیا آمده است.
- ۳- رهبران جامعه اسلامی، چه نقشی در هدایت مردم دارند؟ دل‌های آنها را بیدار می‌کنند. راز و رمز زندگی صحیح را به آنها می‌آموزند، از گمراهی‌ها و نادانی‌ها نجاتشان می‌دهند و ...
- ۴- چگونه می‌توان به شناخت اولیای خدا دست یافت؟ با تفکر و تعقل در سیره و روش زندگی آنها و تدبیر در سخنان حکمت‌آمیزشان.

مهر در اسن

درس چہار دہم

خدایا ولی دارم که خواستار و خواهان محبت است. از دل من بازار مهر و محبت گرم است

برای دلم لباس به اندازه دوخته ام. لباس دلم با تار و پود محبت بافته شده است

هم درد و هم درمان از دوست خداست رسیدن به یار و دوری از یار هر دو از دوست است

اگر قصاب پوستم را از تنم جدا کند هرگز جانم از دوست جدا نمی شود

گاهی گذر به قبرستان می افتد در انجا آرامگاه مردم ثروتمند و نیازمند را می دیدم

می دید که هیچ انسان نیازمندی بدون کفن دفن نشده است همچنین هیچ انسان ثروتمندی بیشتر از یک کفن با خود نبرده است.

ای دل، چرا از خداوند پاک و منزله بیخبری از این بی خبری چه فایده ای میبری

واز این که فرمانبره نفس اماره و شیطان هستی، چه استفاده ای میبری

ارزش انسان بالا تر از ارزش فرشته هاست تو قدرت و منزلت و ارزش خودت را نمی دانی، چه فایده ای دارد

کاری نکن که با مشکل روبرو شوی و دنیا به این بزرگی در نظرت دتنگ و تاریک باشد

اغز زمانی که در روز قیامت پرونده ات را بررسی میکنند و نامه ی اعمالت را میخوانند تو نامه ی خود را ببینی و خجالت بکشی

درس شانزدهم

۱- چرا شاعر می‌گوید: انسان باید دشمن هم داشته باشد؟ دوستان همواره سعی می‌کنند که یکدیگر را تأیید کنند و همین تأیید و تصدیق دوستانه سبب می‌شود که خیلی از ایرادها و نقایص فرد پنهان بماند، اما دشمنان به هر دلیل نکاتی را یادآوری می‌کنند که سبب می‌شود غرور کاذب فرد شکسته شده و متوجه نقایص خود شود و درصدد رفع عیب‌هایش برآید.

۲- چرا پول ارباب بدی است ولی خدمتگزار خوبی است؟ اگر ثروت و پول بر انسان حاکم باشد، آگاهی و معرفت را از انسان خواهد گرفت و انسان را به هر سمت و سویی خواهد کشاند. انسان باید پول و ثروت را در اختیار خود بگیرد و در جهت خوب و مهبت به کار بندد و حاکم و فرمانروای پول خود باشد.

۳- اگر شما به جای شاعر بودید، برای دوستانتان چه آرزوهای دیگری داشتید؟ سعادت دوستانم را در دنیا و آخرت آرزو می‌کردم. همچنین آرزو می‌کردم که همه دوستانم عاقبت بخیر شوند. (شما هم نظر خودتان را درباره دوستانتان بنویسید.)

اساس

درس هفدهم

- ۱- خلبان چگونه با شازده کوچولو آشنا شد؟ در یک صحرای دور و در یک بامداد، هنگام طلوع خورشید، با شنیدن صدای نازک و عجیب، شازده کوچولو از خواب بیدار شد که با وقار تمام او را می‌نگریست.
- ۲- چرا شازده کوچولو، شمارش ستارگان را برای کارفرما، بی‌فایده می‌دانست؟ چون نه ستارگان برای کارفرما فایده داشتند و نه کارفرما برای آنها فایده داشت.
- ۳- چرا روباه، دوست داشت اهلی شود؟ خود روباه در این باره می‌گوید: زندگی من بکنواخت است، ولی تو اگر مرا اهلی کنی، زندگی من چون خورشید خواهد درخشید. آنگاه با صدای پای آشنا خواهم شد که با صدای پای دیگران تفاوت خواهد داشت؛ صدای پای دیگران مرا به لانه فروخواهد راند؛ ولی صدای پای تو همچون نغمه موسیقی مرا از لانه بیرون خواهد کشید.

۱- از میان گروه کلمه‌های زیر، واژه‌های نادرست را بیابید و شکل درستشان را بنویسید.

تصویر مار بوآ، حضم غذا، حدث و گمان، باوقار تمام، ودا و خداحافظی.

حضم حدس وداع

عظیمت به سیاره زمین، مالک ستاره گان، انسان علاقمند

عزیمت ستارگان علاقه‌مند

۲- در بند اول درس، قیدها را مشخص کنید. وقتی، روزی

۳- با توجه به کلمه‌های داخل کمانک، زمان فعل‌های هر جمله را تغییر دهید و جمله را بازنویسی کنید.

من شاهکار خود را به آدم‌های بزرگ نشان دادم. (ماضی بعید)

من شاهکار خود را به آدم‌های بزرگ نشان داده بودم.

این هواپیما، با سرعت فوق‌العاده پرواز می‌کند. (ماضی مستمر)

این هواپیما با سرعت فوق‌العاده‌ای داشت پرواز می‌کرد.

راز دیگری از زندگی شاهزاده کوچک برای من فاش شد. (مضارع التزامی)

شاید راز دیگری از زندگی شاهزاده کوچک برای من فاش بشود.

۴- جدول صفحه بعد را کامل کنید.

۱- غزل، مثنوی، قصیده نوعی شعری هستند.

۲- یکی از اجزای جمله و به معنی بند است.

۳- دو مصراع که با هم بیایند.

۴- یکی از عناصر مهم داستان

۵- به ادبیات دفاع مقدس می‌گویند.

۶- از آن طرف بخوانید نوعی جمله است.

۷- صفت «ادب» و یکی از انواع نوشته.

۸- اگر از آن طرف بخوانید مترادف هویدا است.

۹- با فعل استادی می‌آید.

۱۰- ریشه فعل

۱۱- نوعی ماضی است.

۱۲- کتاب مشهور مولوی

۱۳- «دوست» به زبان ترکی

۱۴- معمولاً همراه آموزش می‌آید.

۱۵- حرف ربط

۱- بیاتانم وجود خداوند را پرستش کنیم
زیرا بعد از مرگ فرصت چنین کاری را نداریم

۲- ای پروردگار بخشنده باروزی تو پرورش یافته ایم
و به لطف و بخشش تو عادت کرده ایم

۳- تو ما را در دنیا عزیز و گرامی داشتی
و در جهان آخرت نیز همین چشم را داشته باش

۴- خدایا با لطف و مهربانی خود پزیر
و از درگاہت دور نکن زیرا من غیر از درگاہ تو درگاہ دیگری ندارم

۵- خدایا نور بصیرت و ایمان را در برابرم قرار ده
مرا از انجام کارهای ناشایست دور کن

۶- خدایا مرا با خواری و پستی از درگاہت دور نکن زیرا هیچ درگاہی جز درگاہ تو برای
رمن قابل تصور نیست